یادداشت روز

ما و آدم‌خوارها میز مذاکره یا شام؟!

اگر از دریچه‌ای تنگ و زاویه‌ای محدود به ترور هفتم آذر در آبســـرد نگاه کنیم، آمران و عاملان ترور از ترس پیشرفت هسته‌ای و موشکی ایران، یکی از مدیران ارشد این دستاوردها را ترور کردند تا در این مســـیر دســـت‌اندازی ایجاد کنند؛ سنگ‌پرانی به قطار. اما اگر دقیق و ظریف و کلان‌تر به صحنه بنگریم، ماجرا فراتر از ترور یک دانشمند علوم طبیعی است.

این داستان از زمستان سال ۵۷ آغاز شد. کمتر کسی انقلاب اسلامی ایران را می‌شناخت و درک می‌کرد که چه رخدادی در حال وقوع است. به‌جرات می‌توان گفت حتی بخشی از انقلابیون هم علی‌رغم حضور در بطن ماجرا، عمق آن را درک و پیش‌بینی نمی‌کردند امواج این انقلاب چه تاثیری بر پیرامون خود و فراتر از آن خواهد گذاشت. انقلاب اسلامی ایران در دوره‌ای رخ داد که «سیستم جهان» -بر پایه تسلط و استعمار فرامدرن- فارغ از وابســـتگی به بلوک غرب یا شرق تثبیت شده بود و تصور استقلال و بیرون بودن از این چارچوب آهنین و خشن غیرقابل تصور می‌نمود.

داستایوفســـکی جمله قابل تاملی دارد؛ «اگر خدا وجود ندارد پس همه چیز مجاز اســـت.» انقلاب ایران یک‌بار دیگر خدا را وارد عرصه جهانی کرد. خدای پیش از انقلاب اسلامی ایران خدای مسجد و کلیســـا و کنیسه بود و قدرتش در حد غسل تعمید و غسل‌های واجب و مستحب. پرتاب دو بمب اتم و کشتار صدها هزار نفر از سوی آمریکا در جنگ جهانی دوم، یکی از تاریخی‌ترین لحظات مجاز بودن هر چیزی در پی حذف خداست و جایگزینی آن با خدایی که نهایت ظهور و بروزش در حد «ساعت‌ساز» است.

بروز انقلاب «به نـــام و برای خدا» ایـــن معادله به ظاهر تثبیت‌شده و مقتدر را به چالش کشید. استثنایی و خطرناک بودن انقلاب ایران برای سیستم جهانی (سیستمی که با حذف خدا، برای به‌دست آوردن منفعت بیشتر هر عملی مجاز است و وضعیتی را به‌وجود می‌آورد که به قول توماس هابز انســـان را به گرگ انســـان تبدیل می‌کند.) را «ژان میشل ورنوشه» -روزنامه‌نگار، تحلیلگر و پژوهشگر فرانسوی امور راهبردی- در کتاب خود با عنوان «ایران؛ تخریب ضروری» اینگونه تشریح می‌کند؛ «خصوصیت انقلابی - ملی - اسلامی و راز و رمز مدار ایران اســـت که باید به وضعیت عادی تحـــول یابد... آنچه به عنوان فوریت ضروری و اجتناب‌ناپذیر در رأس برنامه سیاسی غرب - ایالات متحده/اسرائیل/اتحادیه اروپا -به ثبت رسیده، فراهم ساختن ورود ایران به صفوف لیبرال دموکراسی [جانشین خدا] است... ایران، به مثابه مانع در مسیر سیل خروشانی که از مدرنیته بیرون زده است، باید تخریب شده و از سر راه برداشته شـــود، مگر اینکه خود به خود دچار فروپاشی یا تسلیم شود: تســـلیم سیاسی کامل - تحت تأثیر انقلاب رهبران از بالا و یا تحت تأثیر فشار غیر قابل جلوگیری در خیابان.»

اگر از ایـــن زاویه وضعیت امـــروز و رخدادهای مرتبط را بنگریم تکلیف قضایا از پرونده هســـته‌ای گرفته تا FATF و برنامه موشـــکی و تحریم و ترور و امثالهم روشن می‌شود. در چنین معادله‌ای، اوراق کردن بیش از ۹۰ درصد توان هسته‌ای کشـــور مشـــکلی را حل نمی‌کند، کما اینکه تجربه کردیم و دیدیم. محدودسازی قدرت موشکی کشور و دست کشیدن از نفوذ منطقه‌ای نیز مشمول همین قاعده است. البته که چنین شبه‌توافق‌هایی (توافق نامیدن این تحمیل‌ها، غیردقیق و اهانت به معنا و ماهیت کلمات است) یک اثر محتوم دارد و آن هم چند قدم جلو آمدن محور غرب به ازای هر یک قدم عقب‌نشینی. نمونه بارز آن را می‌تـــوان در مواضع دیروز هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان دید که به صراحت می‌گوید توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران دیگر کافی نیست و باید به دنبال توافقی جدید و گسترده‌تر بود!

اینکه عده‌ای انتظار دارند اتحادیه اروپا و کشورهای آن ترور شهید فخری‌زاده را محکوم کنند، ناشی از نوعی ساده‌لوحی و نشناختن صحنه است. رژیم اسرائیل خط مقدم غرب در منطقه ماست. آمریکا و متحدان اروپایی آن به عراق یورش می‌برند و پس از آن جوخه‌های ترور اسرائیلی صدها دانشمند عراقی را ترور می‌کنند تا کار برادران قاتل خود را تکمیل کنند. هرکس گمان کند ترور آبسرد بدون همکاری اطلاعاتی این سه ضلع صورت گرفته است، ساده‌لوحی است که می‌خواهد میان گرگ و شغال و کفتار تمایز قائل شود و وقتی می‌گوییم همه اینها سر و ته یک کرباسند، باد به غبغب می‌اندازند و با لهجه آکادمیک و نگاه عاقل اندر ســـفیه می‌گویند ببینید گوش گرگ از شغال بزرگ‌تر است و دم کفتار از آن دو کوتاه‌تر! انگار مسئله بر سر گوش و دم و پوزه این درندگان است نه خوی وحشی آنها.

فخری‌زاده ترور می‌شـــود چون او فقط به ابزار علم مسلط نیست بلکه این تسلط را اهرمی برای حفاظت از انقلابی کرده است که به نام خدا شکل گرفت و مردمی که پای این آرمان و عقیده ایستاده‌اند. محسن فخری‌زاده و قاسم سلیمانی تبلور و نماد محصولات مرغوب این شـــجره طیبه و تنومند هستند. بایـــد آنها را از بین برد و مهم‌تر از حذف فیزیکی و ترور آنان، ترور شخصیت آنان است که سال‌ها پیش از ترور فیزیکی آغاز شده بود و ادامه خواهد داشت. کسی نباید بداند آنان که بودند، چه کردند و چه می‌خواســـتند و جان خود را بر سر کدامین هدف گذاشتند. پس سلیمانی را تروریست معرفی می‌کنند و فخری‌زاده را مردی که به‌دنبال بمب اتمی بود.

اگر تعارف را کنـــار بگذاریم آنچه در مقابل خود می‌بینیم مشـــتی آدمخوار به معنای واقعی کلمه است. برای کسانی که جنگ و کشتار را برای پیشبرد اهداف اقتصادی و بلعیدن منابع ملت‌ها و کشورها تئوریزه و تجویز می‌کنند، مگر می‌شود کلمه مناسب‌تری از این یافت؟ (آنان که عبارت آدمخوار را برای دنیای غرب تندروی می‌دانند کافی است برای نمونه جنایات بلژیک در کنگو را مطالعه کنند؛ اگر زن و مرد کنگویی روزانه کمتر از آنچه برایشان تعیین شده بود کائوچو -ماده اولیه لاستیک برای چرخاندن چرخ صنایع بلژیک- برداشت می‌کردند اعضای بدن خود یا خانواده‌شان قطع می‌شد. راه‌اندازی باغ‌وحش‌های انسانی در کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا از این مردم تحت سلطه، خود داستان دیگری است.) آدمخواران شیک‌پوشی که کشتار مردم عادی را «تلفات جانبی» می‌نامند و علناً می‌گویند ترور دانشمند ایرانی برای مذاکره مفید است! آدمخوارها وقتی دعوت به مذاکره می‌کنند، آنچه چیده‌اند میز شام است. بشقاب‌ها را چیده‌اند و چاقو و چنگال‌ها را تیز کرده‌اند. کمدی مذاکره آدم و آدمخوار با فقدان دردناک برای یک سو و دهان باز و خون‌آلود و سیری‌ناپذیر سوی دیگر میز همراه است. مفلوک جماعتی که از این میز انتظار گشایش دارند. جرم فخری‌زاده‌ها و سلیمانی‌ها آن است که شرافتمندانه و مقتدرانه مقابل این قبیله آدمخوار سینه سپر می‌کنند و می‌ایستند.

تکلیف ما و قبیله آدمخوارها روشن است و به‌نظر می‌رسد مشـــکل جای دیگری است. رحمت و رضوان الهی بر روح نادر ابراهیمی آن مرد بزرگ و فهیم که کمتر او را شناختیم و از او گفتیم. سال‌ها پیش او در یکی از آثار ماندگار و گرانبهای خود به نام «بر جاده‌های آبی سرخ» دست بر نقطه‌ای مهم گذاشت و گفت: «آنچه ما می‌کشیم، نه مستقیماً از جانبِ اجانب، که از جانب سرسپردگان ایشان است. ارباب اگر نوکرِ خوش‌خدمتِ حلقه به گوش نداشته باشد، چگونه می‌تواند اربابی کند؟

این بیگانه پرســـتانند که می‌کوشند سلطه ننگین بیگانه را بر این بهشـــتِ خدایی، این آب و خـــاک منحصر، تثبیت کنند و دوام ببخشند و خود ســـر در آخور اجانب، به علوفه چند روزه، رضـــا بدهند. این مزدبگیـــران و خودفروختگانِ نامردند کـــه در هر نهضتی نفوذ می‌کنند و آن را به اضمحلال می‌کشانند...»

محمد صرفی

تقسیم کار دموکرات‌ها و اسرائیل
واشنگتن‌پست: ترور برای مذاکره مفید است!

روزنامه «واشنگتن‌پســـت» آمریـــکا در گزارشـــی پیرامون ترور شهید «محسن فخری‌زاده» دانشمند هسته‌ای نوشت: برنامه هسته‌ای ایران با قتل‌های هدفمند پایان نمی‌یابد امّا احتمال توافق را می‌تواند بیشتر کند!

پایگاه خبری وابســـته به روزنامه «واشنگتن‌پست» آمریکا در گزارشی با عنـــوان «برنامه هســـته‌ای ایران با قتل‌های هدفمند پایان نمی‌یابد- امّا احتمال توافق را می‌تواند بیشتر کند(!)» به قلم ماکس بوت، ستون‌نویس حوزه امنیت ملی و تحلیلگر سیاست خارجی نوشت: قریب به یک سال از ترور ژنرال قاســـم سلیمانی فرمانده نیروی قدس ایران در بغداد می‌گذرد. پیامد حاصل از آن ترور باید ما را در ارزیابی تأثیرات قتل روز جمعه «محسن فخری‌زاده»، دانشـــمند هســـته‌ای ایران در شرق تهران هوشیار کند. تندروهایی نظیر جان بولتن، مشاور سابق امنیت ملی ترامپ ابراز امیدواری کردند که مرگ (شهادت) سلیمانی، ایران را مجبور به عقب‌نشینی از پیشروی‌های منطقه‌ای خود می‌کند و حتـــی می‌تواند منجر به تغییر حکومت در تهران شـــود. از سوی دیگر، بسیاری از منتقدان دولت ترامپ این هراس را مطرح کردند که مرگ (شهادت) سلیمانی، می‌تواند کل منطقه را وارد جنگ کند.

در ادامه آمده اســـت: هیچ‌کدام از این پیش‌بینی‌ها محقق نشد. واکنش ایران محدود به شلیک ۱۲ موشک علیه ۲ پایگاه ارتش آمریکا در عراق شد (این حملات صدمات مغزی زیادی در بین نیروهای آمریکایی ایجاد کرد). ایران از ایـــن حمله راضی شـــد و دو طرف از درگیری گســـترده‌تر دور شـــدند. نشانه‌ای وجود ندارد که مرگ (شهادت) سلیمانی طرح‌های منطقه‌ای ایران را به عقب رانده باشد. سرتیپ «قاآنی» به‌سادگی جانشین [سرلشکر] سلیمانی شد و نیروی قدس به رویه معمول خود در عراق، سوریه، لبنان و یمن ادامه داد.

واشنگتن‌پست در ادامه مدعی شد که به‌تازگی ســـردار «قاآنی» به بغداد رفته اســـت. واشنگتن‌پست محتوای این سفر ادعایی را ممانعت از اقدامات نیروهای نیابتی/ متحـــد ایران اعلام کرده درحالی‌که ترامپ مترصد کاهش نیروهای آمریکایی مســـتقر در عراق است. واشنگتن‌پست در ادامه نوشت: خلاصه کلام اینکه (شـــهادت) مرگ سلیمانی خبرســـاز شد ولی تغییرات کمی‌را در پی داشت. همین رویه درباره ترور «فخری‌زاده» نیز صادق اســـت. (طبق معمول اسرائیل مسئولیت ترور را نه قبول کرده و نه رد کرده است)

نتانیاهو دستور ترور را صادر کرده است

در ادامه این گزارش آمده اســـت: شـــواهدی وجود دارد کـــه «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل دستور ترور را صادر کرده است تا تلاش برای بازســـازی توافق دوران اوباما توســـط بایدن را تخریب کند.

ترور برای رسیدن به راه‌حلی دیپلماتیک!

واشنگتن‌پست نوشت: شاید این گمان درست باشد، ولی دور قبلی ترور دانشمندان هسته‌ای ایران- چهار مرگ و یک زخمی- حد فاصل ســـال‌های ۲۰۱۰- ۲۰۱۲ در جهـــت نیـــل به راه‌حلی دیپلماتیـــک کمک کرد! آن ترورها، همراه با رژیم قدرتمند تحریم بین‌المللی (مسبب آن فتنه ۸۸ شد) و حمله ســـایبری اســـرائیل- آمریکا علیه تأسیســـات هســـته‌ای ایران که شـــهره به ویروس «اســـتاکس نت» است، فشـــارها بر ایران را اضافه کرد و موفقیت دیپلماتیکی غیرمنتظره‌ای را برای دولت اوباما در سال ۲۰۱۵ به ارمغان آورد.

تأثیر ترور دانشمندان در برنامه هسته‌ای ایران

در ادامه به نقل از «مایکل‌هایدن» (رئیس سازمان C.I.A از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۰۹) در مصاحبه با برگمن روزنامه‌نگار اسرائیلی آمده است: «مرگ این افـــراد تأثیر به‌ســـزایی در برنامه هســـته‌ای آنان داشـــت». برگمن در ادامه نوشت که هایدن معتقد بود که این ترورها از سه جهت به ایران ضربه وارد کرد: «از دســـت دادن دانش فنی که در ضمیر این افراد بود، ایجاد تأخیر اساسی در برنامه هسته‌ای و رها کردن برنامه هســـته‌ای توســـط دانشمندان خبره از هراس سرنوشتی مشابه [افراد ترورشـــده] است.» واشنگتن‌پست در ادامه نوشـــت که این یک بازگشـــت معنادار خواهد بود در صورتی که ترور شهید «فخری‌زاده» منجر به افزایش فشـــار بر ایران در جهـــت انعقاد یک توافقنامه با دولت بایدن توسط همان مقامات توافق پیشین باشد.

ایـــن روزنامه آمریکایی نوشـــت: یک موفقیـــت دیپلماتیک برای توقّف برنامه هسته‌ای ایرانیان ضروری است. ایـــن گزارش می‌افزایـــد: اگر تاریخ به ما چیزی آموخته باشـــد این اســـت که ایـــران می‌تواند در هر حالتی روند توسعه تسلیحات (!) هسته‌ای خود را حفظ کند فارغ از اینکه چند دانشمند آن توســـط قاتلان کشته شود و چند ســـانتریفیوژ آن براثر حمله سایبری از بین بـــرود. از زمان خروج احمقانه ترامپ از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ علی‌رغـــم پایبندی تهران به تعهدات، سطح ذخایر غنی‌سازی ایران ۸ برابر افزایش یافته است. حتی حمله هوایی هم برنامه هسته‌ای ایران را نمی‌تواند نابود کند.

به گزارش خبرگزاری دانشـــجو، واشنگتن‌پســـت در پایان ضمن ابراز امیـــدواری درباره اینکه ترور شـــهید «فخری‌زاده» [همچون دور اوّل ترورها بین سال‌های ۲۰۱۰ - ۲۰۱۲] منجر به یک دستاورد دیپلماتیک (!) شود، نوشت: تنها راه توقف برنامه هسته‌ای ایران یک توافق هسته‌ای جدید است.

اشاره ضمنی رژیم صهیونیستی به ترور بیشتر دانشمندان هسته‌ای ایران

«الی کوهن» وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی، دیروز جمعه در اظهاراتی به‌طور ضمنی تهدید کرد که ترورهای بیشتری علیه دانشـــمندان هسته‌ای ایران رخ خواهد داد.

پایگاه خبری شبکه «المیادین» به نقل از رسانه‌های رژیم صهیونیستی گـــزارش داد که وزیـــر اطلاعات رژیم صهیونیســـتی در این خصوص گفته است: «فخری‌زاده را شناسایی کردیم و او را تعقیب می‌کردیم. می‌دانستیم که آنچه که انجام می‌دهد اقدامی در قالب یک طرح اســـت که خاورمیانه و تمام جهان را به خطر می‌اندازد.» طبق این گزارش، او همچنین در بخشی از اظهاراتش مدعی شـــده اســـت: «فکر می‌کنم که دانشمندان هسته‌ای ایران خـــواب آرامی‌ندارند. آنها می‌دانند که آنچه این هفته رخ داد، می‌تواند برای هر یک از آنها نیز رخ دهد.» الی کوهن همچنین ادعا کرد: «برای ما روشـــن اســـت که ایران با تمام قدرت تلاش خواهد کرد قدرت هسته‌ای به دست آورد و اسرائیل ابداً این اجازه را نخواهد داد.» این اظهارات در حالی اســـت که پیشـــتر، روزنامه «نیویورک‌تایمز» به نقل از ســـه منبـــع اطلاعاتی گزارش داده بـــود که رژیم صهیونیســـتی در پشت عملیات ترور شهید فخری‌زاده قرار دارد. شـــبکه «سی‌ان‌ان» به نقل از یک مقام آمریکایی به‌تازگی گزارش داد که رژیم صهیونیستی پشت عملیات ترور دانشمند برجسته هسته‌ای ایران قرار دارد.

گفت و شنود

هسته موز!

گفت: طرح اخیر مجلس به وضوح نشـــان می‌دهد که این طرح برای مقابله با زورگویی و بدعهدی اروپا تهیه و تصویب شده است و جـــان کلامش اینکه اگر اروپا به تعهدات خود عمل نکند، ایران هم به تعهدات خود عمل نخواهد کرد.

گفتم: هر جای طرح را که مطالعه می‌کنی همین نکته را نشان می‌دهد.

گفـــت: پس چرا برخـــی از مدعیان اصلاحـــات این‌همه با آن مخالفت می‌ورزند؟!

گفتم: چه عرض کنم؟!

گفت: یک کلمه هم نمی‌گویند چرا با آن مخالفند و کجای این طرح عیب و ایراد دارد؟!

گفتـــم: از طرف پرســـیدند؛ نظرت دربـــاره موز چیه؟ گفت خوبه ولی هسته‌اش خیلی بزرگه!

فارن افرز: کمتر از هر زمان دیگر می‌توان با تهدید ایران را به مذاکره واداشت

یک نشریه آمریکایی در گزارشی نوشت: کمتر از هر زمان دیگر می‌توان با تهدید ایران را به مذاکره واداشت.

نشـــریه فارن افرز در گزارشی نوشت: دولت ترامپ طی چهار ســـال گذشته به جای تبعیت از یک سیاست خارجی، صرفاً مجازات‌هایی علیه ایران وضع کرده است. آمریکا از توافق هســـته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران خارج شد و چند دور تحریم به طور یکجانبه علیه این کشور وضع کرد. دولت جدیـــد آمریکا تحت هدایـــت جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب شـــاید امیدوار به جبران مافات و احیای تعامل سازنده باشد، اما در خواهد یافت که ایران بســـیار تغییر کرده است. این نشریه آمریکایی در ادامه نوشت: ایران طی چهار سال گذشته بیکار ننشست و منتظر نماند که توافق هسته‌ای دوباره از سر گرفته شود. جمهوری اسلامی ایران در عوض در راســـتای تقویت موضع نظامی خود و بهبود اوضاع اقتصادی‌اش به تشریک مساعی با چین و روسیه روی آورد. چین و روســـیه اکنون بطور کامل در امور ایران از زیرساخت‌های نفتی و بندری این کشور گرفته تا قابلیت‌های دفاعی‌اش دخیل هستند. به دلیل تعمیق این همکاری‌ها، ایران برخلاف گذشته کمتر در برابر پیکار «فشار حداکثری» ترامپ آسیب‌پذیر است یا پذیرای تعامل مد نظر بایدن است.

روابط راهبردی ایران و چین

به گزارش مشـــرق، فارن افرز تصریح کرد: در ســـال ۲۰۱۶، تهران و پکن زمینه شکل‌گیری شراکت راهبردی ۲۵ ساله که بخشـــی از ابتکار کمربند و جاده چین به شـــمار می‌رود را فراهم کردند. اما روابط میان دو کشور به قبل‌تر برمی‌گردد، یعنی زمانی که ایران در کانون جاده ابریشم قرار داشـــت. امروزه، مقامات ایران به چین نه تنها به عنوان ابزاری جهت باز کردن گره تحریم‌های آمریکا، بلکه منبع کمک‌های مالی، فناورانه، و نظامی می‌نگرند و معتقدند که این کشور می‌تواند فشارهای آمریکا را خنثی ســـازد. چین حدود ۴۰۰ میلیارد دلار جهت سرمایه‌گذاری و ارتقای صنایع نفت، گاز، و پتروشیمی ایران و بهبود شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای این کشـــور اختصاص داده است. چین همچنین مشغول تأمین مالی و تجهیز بنادار چابهار و جاسک واقع در ایران اســـت. این دو بندر دارای نقش مهم و حیاتـــی در پروژه احداث یک خط لوله هستند که تهران را قادر می‌سازد در راستای صدور نفت خود تنگه هرمز را دور بزند. گسترش این دو بندر موجب می‌شود تا تلاش‌های آمریکا جهت ممنوعیت صادرات ایران با مشکل مواجه شوند.

ثبات قدم روسیه

این نشریه آمریکایی در ادامه نوشت: روسیه نیز از دیرباز درخصوص به چالش کشـــیدن آشکار موضع واشنگتن در قبال تهران پیشگام بوده است. سرگئی ریابکوف معـــاون وزیر امور خارجه روســـیه در ماه سپتامبر در واکنش به تحریم‌های جدید آمریکا خطاب به خبرنـــگاران گفت: «ما از تحریم‌های آمریکا نمی‌ترســـیم، ما به آنهـــا عادت داریم. ایـــن امر در هر صورت تأثیری بر سیاست ما ندارد. همکاری ما با ایران دارای ماهیت چندوجهی است... یک دستور اجرایی دیگر [از طرف رئیس‌جمهور آمریـــکا] رویکرد ما را تغییر نخواهد داد.» هنگامی که واشـــنگتن در مـــاه اکتبر باز هم بر شـــدت تحریم‌ها افـــزود، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روســـیه و حســـن روحانی رئیس‌جمهـــور ایران درخصوص تقویت امنیت منطقه، تجارت دوسویه، و همکاری‌های اقتصادی با یکدیگر رایزنی کردند. چین و روســـیه مشترکاً علاقمند به مقاومت در برابر تحریم‌های آمریکا ضد ایران هســـتند. بایدن می‌داند که نیازمند ازســـرگیری مذاکرات با ایران است.دولت بعدی آمریـــکا بر این نکته واقف اســـت کـــه نمی‌تواند اهمیت ایـــران در منطقه خلیج‌فـــارس را نادیده بگیـــرد. اما دولت جدید آمریکا کار ســـختی در پیش دارد و باید مقامات ایران را متقاعد ســـازد که احیای توافق کنونی یا هرگونه توافق جدید برخلاف توافق قبلی برهم نخواهد خورد. در ایـــن خصوص «کـــردار و عمل از همه مهم‌تر است.»

بـــه عـــلاوه، علیرغم فشـــار بی‌امان تحریم‌ها، مقامـــات ایران درخصوص توان دفاعی و قدرت منطقه‌ای خود ثبات قدم نشان داده‌اند. اینکه فکر کنیم آنها اکنون می‌پذیرند که قابلیت‌های تسلیحاتی کشور خود را محدود سازند، آن هم در شرایطی که رقبا در خلیج‌فارس مشغول بسط و گسترش قابلیت‌های تســـلیحاتی خویش هستند، باورش ســـخت و دشوار است. بایدن شاید به دنبال دور کردن تهران از پکن و مسکو باشـــد، اما او برای کشوری که نه به دنبالِ و نه مایل به اتحاد با آمریکا نیســـت، چیز زیادی برای عرضه ندارد. فارن افرز در این گزارش تصریح کرد: کمتر از هر زمان دیگر می‌توان با تهدید ایران را به مذاکره واداشت.

خبر ویژه

کدام گشایش؟ ۷ برابر شدن قیمت مسکن یا ۶ برابر شدن نقدینگی؟!

رئیـــس دفتر رئیس‌جمهور برای چندمین بـــار، ضمن اظهار نظری فاقد وجاهت و نامتناسب با جایگاه حقوقی وی علیه مصوبه مجلس فضاسازی کرد.

محمود واعظی ضمن تخطئه مصوبه اخیر مجلس در زمینه بازگشت توازن به اجرای برجام، به ایلنا گفت: کار مجلس کار قانون‌گذاری است، قانون‌گذار باید یک هماهنگی با دســـتگاه‌های مجریه داشته باشد. آن چیزی که امروز اتفاق می‌افتد ما در گذشته سابقه‌اش را هم نداشته‌ایم.

وی درباره این‌که فضای بین‌المللی به سمت احیای برجام در حال پیش روی بود اما شـــاید با مصوبه اخیر مجلس پرونده هســـته‌ای ایران دوباره به شورای امنیت و فصل هفتم بازگردد، تاثیر این تصمیم بر سیاست خارجی و بازار داخلی چیست، بیان کرد: در فضای مجازی بیان می‌شود که این مجلس از ابتدا آمده تا با دولت مخالفت کند. ما فکر می‌کردیم که همان مخالفت با دولت کافی اســـت و دیگر کاری با اقداماتی که مربوط به گشایش برای ملت می‌شود و می‌تواند یک مقداری فشارها را بردارد نداشته باشند.

رئیس دفتر رئیس‌جمهور ادامه داد: همین تفکری که اکثریت را در مجلس دارند هشت سال خودشان سرکار بودند نه تنها نتوانستند مشکل هسته‌ای را حل کنند، بلکه قطعنامه‌هایی را چه در شورای امنیت سازمان ملل و چه در شـــورای حکام علیه کشور گرفتند. آنها می‌خواهند که این دولت نتواند برای مردم گشایشی به وجود بیاورد برای همین به طور دائم حمله می‌کنند تا در انتخابات ۱۴۰۰ خودشان پیروز شوند.

وی ادامه داد: به نظر من این اقدامات جفا به حق مردم اســـت، دوستان ســـنگ اندازی می‌کنند و قوانینی را به تصویب می‌رســـانند تا دولت نتواند تحریم‌ها را بردارد. عجیب این اســـت که در مصوبه اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها بندهایی گذاشـــته‌اند که معلوم اســـت مانع رفع تحریم می‌شود اما اسمش را رفع تحریم‌ها گذاشته‌اند.

ســـخنان آقای واعظی از چند جهت فاقد وجاهت و اعتبار است. نخست این که رئیس دفتر رئیس‌جمهور، مسئولیت دفتری دارد و نقش سخنگویی، با ســـخنگوی دولت است. از این جهت اظهارنظرها و دخالت‌های واعظی در کارهای اجرایی، بارها مورد اعتراض برخی حامیان سیاســـی دولت هم قرار گرفته است. برخی حامیان دولت، از بی‌سر و سامانی دفتر روحانی به شدت گله‌مند هستند.

ثانیاً برخلاف ادعـــای هماهنگی نکردن مجلس، نمایندگان مجلس طی چهـــار ماه اخیر مشـــغول هماهنگی با دولت و اعضای شـــورای عالی امنیت ملـــی بوده‌اند چنان که آقای واعظی چند روز قبل در اعتراضی ضمنی گفت: هماهنگی مجلس با دبیرخانه شـــورای عالی امنیت ملی احتمالاً یواشـــکی انجام شده است.(!)

ثالثاً عجیب است که رئیس دفتر رئیس‌جمهور ادعای مخالفت مجلس با دولت (کارشکنی) را به «فضای مجازی» مستند می‌کند!

رابعاً معلوم نیســـت منظور وی از گشـــایش اقتصادی برجامی چیست؟ ۹ برابر شـــدن قیمت ارز؟ ۸ برابر شـــدن قیمت خودرو؟ ۷ برابر شدن قیمت مسکن؟ شش برابر شدن نقدینگی سرگردان و خسارت‌های تورمی و رکودی آن؟! مردم اکنون می‌فهمند که وضعیت اقتصادی آنها بدون برجام؛ بســـیار مناسب‌تر از سوغات خسارت‌بار برجام است.

و خامساً، برداشـــتن تحریم‌ها چیزی نیست که دولت امروز وعده آن را بدهد، بلکه ۷ سال قبل مدعی شده ظرف ۱۰۰ روز همه تحریم‌ها می‌رود و چنان رونقی در اقتصاد ایجاد می‌شـــود که مردم از پول یارانه بی‌نیاز شـــوند. اما بلافاصله پس از اجرای برجام توســـط ایران، تحریم‌های رگباری موسوم به ویزا، ایســـا، سیسادا (و کاتسا با همدستی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان کنگره) آغاز شد. با همه اینها عجیب است که آقای واعظی ادعا می‌کند دولت می‌خواهد تحریم‌ها را بردارد و این، مجلس است که نمی‌گذارد!

علاقه ویژه بایدن برای انتصاب معمار تحریم‌ها به ریاست سیا

برخـــی منابع از احتمال انتصاب دیوید کوهـــن (از معماران تحریم‌های ضدایرانی و قائم‌مقام پیشـــین ســـیا) به سمت ریاســـت سرویس جاسوسی آمریکا خبر می‌دهند

به گزارش نیویورک‌تایمز، به نقل از منابع، «جو بایدن» قصد دارد دیوید اس. کوهن را به ریاست سازمان سیا منصوب کند.

البته بایدن هنوز تصمیم نهایی را اتخاذ نکرده است. با این حال دستیاران ارشد گفته‌اند بایدن علاقه زیادی به کوهن را دارد و «آوریل هاینس» گزینه بایدن برای خدمت به عنوان مدیر اطلاعات ملی نیز از این انتصاب احتمالی پشتیبانی می‌کند.

بـــه گفته برخی منابع نزدیک به تیـــم انتقالی بایدن، در بعضی مواقع از جمله در ابتدای دولت اوباما، روابط بین دفتر مدیر اطلاعات ملی و سیا پرتنش بوده و اکنون اولویت دولت جدید این است که با انتخاب کوهن به‌طور بالقوه تنش‌ها را به حداقل برساند.

کوهن معمار اصلی تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه، ایران و سوریه بوده اســـت. دیویـــد کوهن ۵۷ ســـاله، در دولت اوباما و در مـــه ۲۰۰۹ به وزارت خزانه‌داری بازگشـــت و به‌عنوان دستیار وزیر در امور مالی تروریسم منصوب شـــد. کوهن در منصب دستیار وزیر مسئول تنظیم و هماهنگی فعالیت‌های ضد تامین مالی تروریست‌ها و پولشویی بود.

کوهن در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۱ به‌عنوان معاون وزیر در امور تروریسم و اطلاعات مالی انتخاب شد. مهم‌ترین اقدام کوهن در وزارت خزانه‌داری، اعمال تحریم علیه ایران، روســـیه، سوریه بوده است. در زمینه تحریم ایران، وی سفرهای زیادی به کشورهایی نمود که با ایران تجارت داشتند تا آنها را راضی به تحریم ایران و عدم خرید نفت کند. در این زمینه وی به‌طور دقیق شرایط و اوضاع اقتصادی ایران را بررسی و رصد می‌کرده است.

بعد از تحریم‌های ایران، توجه کوهن معطوف به تحریم روسیه بوده است. در زمینه تحریم روسیه وی سفرهای زیادی به کشورهای اروپایی داشته است.

از ۹ فوریه ۲۰۱۵ تا پایان دولت اوباما وی قائم‌مقام مدیر سیا بود. دیوید کوهن در کاخ سفید معروف به «بتمن مالی» بود. «بن رودز» معاون پیشین مشاور امنیت ملی کاخ سفید در این رابطه می‌گوید: دیوید حضوری مرتب در جلسات سطح بالای کاخ سفید در موضوعات سوریه، اوکراین و ایران داشت.

تا قبل از انتصاب کوهن به عنوان نفر شـــماره دو ســـازمان سیا، معاونین سازمان همیشه از مامورین برجسته و یا نظامیان انتخاب می‌شدند که روزبه‌روز عملیات‌ها را کنترل می‌کردند.

ادعای کاهش وابستگی به نفت و پیش‌خور کردن درآمد دولت بعد!

دولت در حالی ادعای کاهش وابستگی به نفت را مطرح می‌کند که این وابستگی در لایحه بودجه ۱۴۰۰ افزایش چشمگیری یافته است.

آقای روحانی اخیراً در جلســـه ســـتاد هماهنگی اقتصادی دولت لایحه بودجه ســـال ۱۴۰۰ را حائز ویژگی‌های مثبتی همچون عدم وابســـتگی به درآمدهای نفتی خواند.

بـــه گزارش وطن امروز، بخش زیادی از تأثیر تحریم‌های اخیر آمریکا بر اقتصاد ایران ناشـــی از اهمال دولت در اصلاح ســـاختارهای اقتصادی کشور است. تنها به عنوان نمونه، اهمال دولت در اصلاح‌نظام مالیاتی برای افزایش سهم مالیات از منابع بودجه باعث شد بودجه دولت همچنان وابسته به نفت باشـــد. این وابستگی شـــدید بودجه به نفت باعث اثرگذاری بیشتر تحریم بر اقتصاد کشـــور شد. همین مثال را می‌توان در مسائل دیگر اقتصاد کشور هم دید. نمونه دیگر آن را می‌توان در رســـوب چندین ماهه کالاها در گمرک با وجود عطش تقاضای این کالاها در بازار داخلی مشاهده کرد. این مسائل در حالی در ســـال پایانی دولت اتفاق می‌افتد که دولت هفت ســـال و نیم وقت داشت با اصلاح ساختارهای اقتصادی، این مسائل را برطرف کند؛ مسائلی که هیچ ارتباطی به تحریم نداشت اما دولت با تمرکز بر تحریم، از هر گونه اقدام اصلاحی برای حل ریشه‌ای مسائل اقتصادی کشور سر باز زد.

روحانی در حالی سال ۱۴۰۰ را بدون وابستگی به نفت خوانده که براساس اطلاعاتی که از لایحه بودجه ســـال ۱۴۰۰ منتشر شده از مجموع ۸۰۰ هزار میلیـــارد تومان رقم کل منابع بودجه،چیزی حدود ۲۵۰ (۲۰۵ هزار میلیارد تومان از محل فروش اوراق ســـلف نفت و مابقی حاصل از خام‌فروشی نفت) هزار میلیارد تومان از آن مربوط به منابع فروش و پیش‌فروش نفت اســـت. این یعنی حدود یک سوم از درآمدهای سال آینده وابسته به نفت است. نکته دیگر آنکه طرح دولـــت برای پیش‌فروش نفت، به مراتب مخرب‌تر از فروش مستقیم نفت است، چرا که در صورت اجرای طرح فروش اوراق سلف، علاوه بر پیشـــخور شدن درآمد نفتی دولت آینده، بدهی سنگینی برای دولت بعد باقی می‌ماند که طبق برآوردهای کارشناســـی به حدود ۳ برابر در ۳ ســـال آینده می‌رســـد. این یعنی دولت آینده منابع حاصل از فروش نفت را نه تنها نمی‌تواند به مصرف بودجه خود برســـاند، بلکه باید آن را برای بدهی دولت کنونی مصرف کند. با این حال مشـــخص نیست ادعای رئیس‌دولت مبنی بر وابسته نبودن بودجه ۱۴۰۰ به نفت، با چه منطقی مطرح شده است.

آفتاب یزد: این مدیریت نیست که معطل عطسه ترامپ یا بایدن باشیم!

یـــک روزنامه اصلاح‌طلب با انتقاد از برجام‌زدگی و آمریکازدگی شـــدید برخی مدیران نوشـــت: اقتصاد نباید به نحوی مدیریت شود که با عطسه یک نفر در آمریکا به هم بریزد!

آفتاب یزد درباره سرگرمی زایدالوصف برخی مدیران به انتخابات آمریکا، از قول یک کارشناس اقتصادی تاکید کرد: اگر از نهاد ناظر پولی بانکی کشور سوال شود که نقش و جایگاه شما در تغییرات فضای ذهنی ارزش پول ملی در کشور چیست، چه پاسخی می‌دهد؟ آیا می‌گوید منتظریم تا دو انتخاب دیگر در کشور